



## میرسید علی همدانی، پیر ختلان

دکتر پروین ناهیدی

هست دایم سلطنت در معرفت      جهدکن تا حاصل آید آن صفت  
هرکه مست عالم عرفان بود      بر همه خلق جهان سلطان بود

بوعلی سینا و میرسیدعلی همدانی پیوند دهندگان معنوی مردم ایران و تاجیکستان اند و به دلیل وجود این دوشخصیت بزرگوار در گفت و گوی تمدن ها، دو شهر همدان یعنی آرامگاه بوعلی سینا و زادگاه میرسیدعلی همدانی، و شهر کولاب تاجیکستان آرامگاه میر، به عنوان دوشهر خواهرخوانده اعلام گردیده اند.

اشتراکات فرهنگی استان همدان، فرصتی مناسب برای تقویت روابط فرهنگی و علمی و ادبی دوکشور ایران و تاجیکستان فراهم می آورد. قرار گرفتن آرامگاه میرسیدعلی همدانی در تاجیکستان و نیز شهر بخارا زادگاه ابوعلی سینا در این کشور را می توان از زمینه های مهم برای تحکیم این روابط دانست. یقیناً وجه اشتراک فرهنگی، ابزاری برای تبادل فرهنگی و استحکام بخشی زنجیره ارتباطی بین ملت هاست.

تذکره نویسان به اتفاق کامل، نام او را "علی" نوشته اند و همین نام در آثار او هم ذکر شده و در اشعارش نیز گاهی این نام را تخلص کرده است. القاب معروف او، "امیرکبیر" و "علی ثانی" و "شاه همدان" است و معمولاً به "میرسیدعلی همدانی" شهرت دارد

وی فرزند شهاب الدین محمد (۷۸۳-۷۱۴ ق.)، نویسنده، عارف، صوفی و شاعر ملقب به علی ثانی و سیاه پوش، از مشایخ کبرویه بود و به پیروانش همدانیه می گفتند. نسبش از جانب پدر به امام زین العابدین<sup>ع</sup> می رسد. سیدعلی در همدان به دنیا آمد؛ در کودکی قرآن را حفظ نمود. وی از دوازده سالگی به عرفان روی آورد و از محضر مشایخ بزرگی مانند شرف الدین محمودبن عبدالله مزدقانی و ثقی الدین علی دوستی بهره برد.

بوعلی سینا و میرسیدعلی  
همدانی پیوند دهندگان  
معنوی مردم ایران  
و تاجیکستان اند

گفته اند که از دست علاءالدوله سمنانی خرقه پوشید، که ظاهراً درست نمی باشد. وی به دستور شرف الدین محمود، مدت بیست و یک سال به سیروسبیاحت در بلاد اسلامی پرداخت و به صحبت هزار و چهارصد تن از اولیاء رسید. سفرهای او در ترکستان و هند و سرانندیب (سیلان) به قصد اشاعه اسلام بود و پادشاهان هند و کشمیر او را گرامی می داشتند.

تاریخ و محل ولادت سید را تذکره نویسان ۱۲ رجب ۷۱۴ ق. (۲۲ اکتبر ۱۳۱۴ م.) در شهر همدان نوشته اند. این تاریخ درست به نظر می رسد زیرا کلمه "رحمت الله" را که در تاریخ ولادتش آورده اند، به حساب ابجد ۷۱۴ می شود. صاحب رساله "مستورات" در بزرگداشت شب تولد سید واقعه ای به شیخ نظام الدین یحیی الفوری خراسانی نسبت داده است. شیخ مذکور در آن شب خواب دید که حضرت خضر و الیاس جامه های زیبایی در دست دارند و به منزل شیخ شهاب الدین همدانی (پدر علی) می روند و می گویند: پسری که امشب در آن منزل متولد گردیده، بسیار عالی مقام خواهد شد و این جامه را به عنوان تبرک به آن جا می بریم. سید در رساله "همدانیه" آن چه در ذکر همدان آورده، مبین علاقه اش به مولد خود می باشد؛ مانند این دوبیتی معروف:

پرسید عزیزی که علی اهل کجایی؟

گفتم به ولایت علی کز همدانم

نی زان همدانم که ندانند علی را

من زان همدانم که علی را همه دانم

علی همدانی به هفده واسطه به حضرت علی می پیوندد.

حضرت علاءالدوله سمنانی برای سلوک باطنی، علی همدانی

را در خدمت اخی علی دوستی یا دوسی فرستاده بود؛ و این

طبق آداب صوفیانه، بعد از دریافت حضور، علی همدانی به رقص و سماع تمایل پیدا کرد و هفته ای دوبار پیای در حیات خانقاه مزدقان به سماع می پرداخت.

مرد از فتیان و صوفیه بود. سپس برای ذکر گفتن در مرتبه غیب پیغمبر اکرم فرمودند: "نزد شیخ محمود مزدقانی برو تا تو را در این مقام آورد." او تا یک سال در آن جا ذکر گفت ولی حضور نیافت و بالاخره با همت بلند خود و راهنمایی شیخ، کم کم لذت "حضور" را لمس کرد.

#### سماع و رقص

طبق آداب صوفیانه، بعد از دریافت حضور، علی همدانی به رقص و سماع تمایل پیدا کرد و هفته ای دوبار پیای در حیات خانقاه مزدقان به سماع می پرداخت.

وی پس از طی دوره تعلیم و تربیت و مریدی، در "واقعه ای" با چهارصد ولی الله ملاقات نمود و ۳۴ کس از بزرگان او را خرقه و اجازه ارشاد دادند. او می فرماید که حضرت خضر هم در میان ایشان بود. علی همدانی خرقه ها را پذیرفته ولی اجازه ارشاد را تا پایان مسافرت های خود عملی نکرده بود.

## مسافرت های دوران جوانی

سفرهای سیدعلی در حدود سال ۷۳۳ آغاز و بیست و یک سال ادامه داشت. این گونه مسافرت های سید، طی راه سلوک و فقر، و هدف نهایی او، وعظ و تبلیغ و راهنمایی خلق خدا بوده است. اسامی بعضی ممالک و شهرهایی را که سید دیده است، عبارتند از: مزدقان، بخارا، بلخ، بدخشان، ختا، یزد، ختلان، بغداد، ماوراءالنهر، شیراز، اردبیل، مشهد، کشمیر، شام (سوریه)، سرانندیب (سیلان)، ترکستان، تبت، و سایر نقاط شبه قاره هند و پاکستان و شهرهای عربی. وی ۱۲ بار سفر حج نموده و در سال ۷۵۳ به همدان برگشت و ازدواج کرد. در سال ۷۷۳ او دوباره وطن را ترک گفته و در ختلان با امیر تیمور روبه رو شده که در بعضی امور مابین سید و امیر اختلاف پدید آمد. به عقیده عده ای از مورخان، همان اختلاف و هراس موجب شد که سیدعلی با همراهی ۷۰۰ تن از علما و مریدان خویش در سال ۷۷۴ به کشمیر بیاید و در این ولایت مینونظیر پناهنده شود.

قبلاً مریدان سیدعلی، امثال سیدحسین سمنانی و تاج الدین سمنانی به کشمیر رفته بودند و زمانی که سیدعلی به کشمیر رفت، سیدحسین سمنانی در شهر سرینگار اقامت داشت. سیدعلی مریدانش را درنواحی و اطراف کشمیر برای تبلیغ اسلام و کسب معاش روانه ساخت و خود بعد از قیام شش ماهه، روبه سرزمین حجاز نهاد و بار دیگر در سال ۷۸۱ کشمیر را به قدوم خود مزین ساخت.

علی همدانی برای زیارت نشان قدم مبارک حضرت آدم صلی الله به سرانندیب (سیلان) مسافرت نموده است. وی به کمک زنجیرها درسه روز موفق شد که به آن جای بلند و دشوار برسد و جای قدم مبارک را ببیند. بعد از سرانندیب، سید تصمیم می گیرد که به چین برود و در آن جا نشان قدم دوم حضرت آدم را ببیند. در همین دوران سید به اسفراین رفته و در آن جا شیخ محمدبن محمد اذکایی (شیخ فتوت او) را ملاقات کرده است. سید در این وقت چهل سال داشت ولی هنوز مجرد می زیست و به روش شیخ خود محمود مزدقانی از تأهل دوری می جست؛ ولی شیخ اذکایی سید را وادار به ازدواج نمود و به اشارت، سید علی همدانی را به فرزند بشارت داده و او را دستور ازدواج داده است.

به قول جعفر بدخشی، سید علی "مسافر مقیم و مقیم مسافر" بود و اغلب درنواحی همدان گذر می کرده و به ارشاد خلق خدا می پرداخته است. در این دوره به ختلان رفته و بنا به اصرار بعضی ارادتمندان، چندی بعد به آن ناحیه نقل مکان کرده است.

علی همدانی در معبد همدان که به "گنبدعلویان" شهرت دارد، به خلوت و ذکر و چله می پرداخت و گاهی نیز به طلاب درس می داد. این معبد در جای باغ میرعقیل و در پشت دبیرستان علویان هنوز هم پابرجاست و جزو آثار باستانی دوره سلاجقه در آن شهر به شمار می رود. این معبد عیناً از روی نقشه خانه کعبه بنا شده و به همین جهت مردم همدان

از آن جاکه سید علی همدانی  
اساساً صوفی پاکباز بود و به سماع  
نیز توجه خاص داشته است،

### مهاجرت به کشمیر

علی همدانی در سال ۷۴۰ باراول وارد کشمیر شده و مدتی اوضاع آن خطه را مطالعه کرده بود. صاحب رساله مستورات می نویسد که مهاجرت سید به کشمیر طبق دستور حضرت رسول ص بوده است: وقتی سید به هندوستان مسافرت می کرد، در آن اوان شبی "واقعه" ای دست داد. در آن واقعه، حضرت رسول ص علی همدانی را فرمود که: "یا ولدی! در کشمیر رو و مردم آن جا را مسلمان کن." در تعبیر آن خواب، راهب بودایی گفت: "شخصی از زمین ماوراءالنهر می آید و همه ما را مسلمان می سازد." پس طبق همان پیش بینی ها این کار به دست علی همدانی عملی شده است.

سید می خواست هنر ایرانی و اسلامی گسترش بیشتری پیدا کند. برای این کار، هفت صد تن هنرمند ایرانی را در کشمیر توطن داد و توسط آنان ابریشم بافی و قالی بافی و سنگ تراشی و فن معماری ایرانی وارد خطه کشمیر گردید و صنعت شال بافی نیز احیاء شد.

با کوشش های علی همدانی و یاران او، در کشمیر زبان فارسی و عربی برای تدریس علوم دینی و دنیوی، جای زبان سانسکریت را گرفت و این خطه به حقیقت "ایران صغیر" نامیده شد و بنیانگذار واقعی زبان و ادب فارسی در کشمیر میرسیدعلی همدانی است.

در کشمیر سلطان شهاب الدین به توصیه علی همدانی

سید می خواست هنر ایرانی و اسلامی گسترش بیشتری پیدا کند. برای این کار، هفت صد تن هنرمند ایرانی را در کشمیر توطن داد و توسط آنان ابریشم بافی و قالی بافی و سنگ تراشی و فن معماری ایرانی وارد خطه کشمیر گردید و صنعت شال بافی نیز احیاء شد.

می گویند: "از خانه سید به خانه کعبه راه نزدیکی است." منزل میرهمدانی متصل به این معبد بوده است.

### چگونگی مهاجرت به ختلان (کولاب)

تاریخ دقیق انتقال سید به ناحیه ختلان روشن نیست. ظاهراً علی همدانی در خطه ختلان دهی خریده و آن را وقف فی سبیل الله نموده و خانقاه و مدرسه ای هم در آن جا بنا کرده بود. در این ده، جایی هم برای مزار خود معین کرده بود که در آن جا دفن شود. پس سید، ختلان را وطن ثانی خود ساخته و همدان را ترک گفته و وسایل تربیت و تدریس مریدان خود را در آن ناحیه فراهم آورده بود.

میرسیدعلی همدانی پیرو شعرای سبک خراسانی و عراقی بوده و سوز و هیجان حکیم سنایی و شیخ عطار و مولانا و عراقی و سعدی در اشعار او تأثیر بسزایی داشته است.

های متعدد دیگر، آثار زیاد و ارزنده ای به زبان های فارسی و عربی از خود به یادگار گذاشته است. وی بیشتر آثار خود را در کشمیر نگاشته است. مجموعه شعر او که حاوی چهل و یک غزل و نه رباعی و قطعه می باشد، از آثار ارزنده در ادبیات عرفانی و صوفیانه تلقی می گردد. در "تحریر الابرار" تعداد کتب و رسایل سید را به صد و هفتاد رسانده اند. و مجموعه آثار منثور وی اعم از چاپی و خطی بالغ بر صد و ده کتاب و رساله می باشد.

سبک نگارش علی همدانی گاهی ساده و گاهی مصنوع و مسجع ولی کمتر متکلف می باشد. "ذخیره الملوک" مهم ترین و بزرگ ترین اثر سید است که موضوع آن، علم اخلاق و سیاست مدنی است. این کتاب در شبه قاره هند و پاکستان و مخصوصاً در ناحیه کشمیر جزو کتب معروف درسی بوده و در دوره امپراطوران تیموری هند تا عهد اورنگ زیب، یکی از کتب پسندیده و مورد مطالعه دانشجویان و علما بوده است.

بعضی از آثار سید که به طبع رسیده، از این قرار است: اصطلاحات صوفیه، رساله فتحیه، واردات، مناجات، اوراد فتحیه، رساله فتوحیه، منازل السائرین، مکارم اخلاق، رساله کشف الحقایق.

### راز چهل و یک غزل در یک شب (چهل اسرار)

روایت کرده اند که سرودن تمام این غزلیات در یک شب انجام یافته و می گویند این عمل با تحقق یکی از کرامات و خوارق عادات علی همدانی صورت گرفته است که به علت طولانی بودن، از ذکر آن صرف نظر می شود.

### سبک شعر علی همدانی

از آن جاکه سید علی همدانی اساساً صوفی پاکباز بود و به سماع نیز توجه خاص داشته است، لذا جذبات درونی و کلیات روحانی خود را گاه گاه در لباس شعر جلوه می داده است. بنابراین اشعار او دارای جنبه های عرفانی و درونی و ذوقی است.

میرسیدعلی همدانی پیرو شعرای سبک خراسانی و عراقی بوده و سوز و هیجان حکیم سنایی و شیخ عطار و مولانا و عراقی و سعدی در اشعار او تأثیر بسزایی داشته است: به طور مثال سنایی قصیده ای دارد با مطلع:

"مدرسه القرآن" را بنا نهاد. علی همدانی در ختلان کتابخانه ای بنا کرده بود و همین کار را در کشمیر نیز به انجام رساند. مسجد شاه همدان در کشمیر در جایی بنا شده که علی همدانی در آن جا وعظ و ارشاد می کرده است و اکنون هم این واقعه جزو خاطرات مردم کشمیر می باشد.

### تاریخ درگذشت سیدعلی همدانی

تاریخ وفات وی را جعفر بدخشی چنین ثبت کرده است: "در شب چهارشنبه ۷ ذی الحجه سال ۷۸۶ قمری علی همدانی تا نیم شب "یاالله، یارفقیق، یاحیب" می گفت و بعد از آن داعی اجل را لبتیک گفت؛ انا لله وانا الیه راجعون."

وصاحب رساله مستورات اضافه می کند که علی همدانی علاوه بر کلمات مذکور در خلاصه المناقب، "بسم الله الرحمن الرحیم" را به کرات ورد می نمود؛ و همین کلمات مبارک قرآنی از روی حساب ابجد، سال وفات وی (۷۸۶) می باشد.

حیدر بدخشی می نویسد که وقتی علی همدانی در ختلان حضرت رسول<sup>ص</sup> را در عالم واقعه زیارت کرده و این بشارت را از زبان رسول اکرم شنیده که مزار او همان جا خواهد بود، دو رکعت نماز به عنوان نقل گزارده است. علی همدانی این واقعه را به مریدان ختلانی خود بیان کرده و در پاسخ به پرسش ایشان که وفاتش کی واقع می شود، فرموده است: "سه سال و یک روز و یک شب بعد از این." و به شنیدن این خبر، مریدان او گریسته اند.

می گویند چون تابوت سید را به ماوراءالنهر می آوردند، ابرهای سفید بر جنازه او سایه افکن بود و همین طور مرغان زیبا در گروه های متعدد به این سوی و آن سوی به پرواز درآمده بودند.

مزار سید در دهی از ناحیه طوطی علی شاه ختلان می باشد؛ یعنی در کولاب کنونی تاجیکستان. و این همان دهی است که سید آن را خریده و مسجد و مدرسه و خانقاهی در آن بنا نهاده و سپس وقف فی سبیل الله کرده است.

### آثار میرسیدعلی همدانی

#### آثار منثور به فارسی و عربی:

میرسیدعلی همدانی یکی از بزرگان صوفیه است که دارای آثار فراوان می باشد. وی با وجود سفرهای متمادی و فعالیت

میرسیدعلی همدانی پیرو شعرای  
سبک خراسانی و عراقی بوده و  
سوز و هیجان حکیم سنایی و شیخ  
عطار و مولانا و عراقی و سعدی  
در اشعار او تأثیر بسزایی داشته است.

ای گرفتار نیاز و آرز و حرص و حقد و مال زامتحان نفس حسّی چند باشی در وبال  
و غزل علی همدانی با این مطلع به پیروی از همین قصیده عرفانی است:

ای گرفتاران عشقت فارغ از مال و منال والهبان حضرتت را از خود و جنت ملال  
خصوصیت دیگر غزلیات میرسیدعلی، آهنگ و وزن آن هاست:

گشته تامحو تجلای جمالش جانم دیده ام حسن و جمالی که درو حیرانم  
تا شد از صفحه دل محو نقوش کونین خط رخسار تو هر لحظه درو می خوانم  
روزگار یست که هم طالب و هم مطلوبی طرفه حالی ست که هم دردم و هم درمانم

و اینک نمونه ای از نثر او از رسالهٔ چهل مقام صوفیه:

"بدان که صوفی را چهل مقام است و این چهل مقام را نباید دانست تا قدم وی در کوی تصوف درست آید و اگر از این چهل مقام یکی را فرو گذارد، به صفای صوفی راه نیابد. مقام اول نیت است؛ صوفیان را باید که نیت ایشان آن بود که اگر هر دو عالم را بدیشان دهند، چون دنیا و نعمتش و عقبی و جنتش، دنیا و نعمتش را بر کافران ایثار کنند و عقبی و جنتش بر مؤمنان ایثار کنند و بلا و محنت را خود اختیار کنند..."

چهل مقام صوفیه که سید آن ها را در این رساله به زبان ساده بیان فرموده، از این قرارند:

نیت، انابت، توبه، ارادت، مجاهده، مراقبه، صبر، ذکر، مخالفت نفس، رضا، موافقت بر بلا، تسلیم، توکل، زهد، عبادت، ورع، اخلاص، صدق، خوف، رجا، فنا، بقا، علم الیقین، حق الیقین، معرفت، ولایت، محبت، شوق، وحدت، قربت، انس، وصال، کشف، محاضره، تجرید، تفرید، انبساط، تحیر، نهایت و تصوف.

دربارهٔ مرتبهٔ آخر می فرماید: "مقام چهلم تصوف است و صوفی آن بود که از همهٔ مرادها صافی بود و زبانش از عیب و فضول صافی بود و دلش از هر علت صافی بود و چشمش از خیانت صافی بود و از جهان دوخته بود و باحق آموخته بود و باطنش از آفاق صافی بود و نفسش از شهوت صافی بود و ظاهرش از آرایش صورت صافی بود و گفتارش صافی بود و این چهل مقام، پیغمبران را هم بوده است. اولین مقام، آدم راست علیه السلام و آخرین مقام، محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم و الحمد لله وحده والسلام علی من اتبع الهدی."

#### منابع:

- ۱- اثر آفرینان/ج ۵/انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- ۲- احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی/ دکتر محمدریاض/ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
- ۳- فصلنامهٔ ادبی - فرهنگی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان